



مسیحیت

دین مسیحیت از **ادیان بزرگ آسمانی** و **آیین** حضرت عیسی بن مریم علیه‌السلام است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی دین مسیحیت
- ۲ - معرفی اجمالی حضرت عیسی
- ۳ - کتب دینی مسیحیان
- ۴ - رسمیت دین مسیح
- ۵ - مبلغ مشهور مسیحیت
- ۶ - شعائر هفتگانه مسیحیت
- ۷ - انشعاب در مسیحیت
- ۷.۱ - ارتکس
- ۷.۲ - پروتستان
- ۸ - دیدگاه قرآنی
- ۹ - بندگی عیسی در قرآن
- ۱۰ - شفاعت عیسی در قیامت
- ۱۱ - فرق تقدیه با شفاعت
- ۱۲ - رد عقاید مسیحیان در قرآن
- ۱۳ - مسأله پسر خدا در انجیل‌های موجود
- ۱۴ - پانویس
- ۱۵ - منبع

معرفی اجمالی دین مسیحیت

آیین مسیحیت یک آیین یکتاپرستانه است که بر آموزه‌ها و سخنان **عیسی ناصری** (مسیح) استوار گشته است. آموزه‌هایی چون **تثلیث**، مرگ مسیح به عنوان کفاره گناهان، **تعمید آب** و **روح القدس** از باورهای بنیادین این آیین هستند. مسیحیت با داشتن ۲٫۲ میلیارد پیرو بزرگترین **دین جهان** از دید شمار پیروان است.

معرفی اجمالی حضرت عیسی

مسیحیان، **حضرت عیسی** علیه‌السلام را **Christian** به معنای مسیح و یونانی زبانان **Christos** می‌خوانند. انجیل موجود بر آن‌اند که **مادر** حضرت عیسی علیه‌السلام **باکره** بوده و **فرزند** خویش را به گونه‌ای غیر طبیعی به **دنیا** آورده است؛ اما با این حال، او را **فرزند یوسف نجار** می‌دانند. عیسی علیه‌السلام در **بیت اللحم** زاده شد و در ناصریه پرورش یافت. تولد او را چهار تا هشت سال پیش از مبدأ **تاریخ میلادی** احتمال داده‌اند. در سی سالگی به دست **حضرت یحیی** علیه‌السلام غسل تعمید یافت و همانند او به **موعظه** و **تذکیر** و **تعلیم خلق** پرداخت. حضرت عیسی علیه‌السلام، دوازده حواری یا رسول داشت که تعالیم او را میان مردمان می‌گستراندند.

[۱] خلاصه الادیان، ص ۱۵۱.

[۲] ادیان زنده جهان، ص ۳۲۸.

[۳] آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۱۲.

چون عیسی علیه‌السلام به تبلیغ **دین** خویش همت گماشت، رهبران **یهود** نخست با او مخالفتی نکردند؛ اما آن‌گاه که دریافتند **تعالیم** او **سلطه** آنان را بر نمی‌تابد و مردمان را آگاه و هوشیار می‌سازد، راه ناسازگاری و دشمنی در پیش گرفتند و سرانجام شورای عالی یهود در **اورشلیم**، عیسی علیه‌السلام را به **مرگ** محکوم کرد. مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه‌السلام همراه دو تن دیگر به **صلیب** کشیده شده و جان باخته است؛ اما پس از سه روز در بیش چشم مادرش مریم سلام‌الله‌علیهم و **حواریون** از **مرقد** خویش بیرون آمده و به آسمان‌ها رفته است و در **آخر الزمان**، باری دیگر برمی‌گردد و **پیش** را نجات می‌دهد.

[۴] خلاصه الادیان، ص ۱۶۰.

کتاب مقدس دارای دو بخش است: **عهد قدیم** یا **تورات** و **عهد جدید** یا **انجیل**. بخش دوم تنها نزد مسیحیان مقدس است. عهد جدید شامل چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا و نیز اعمال رسولان و نامه‌های **پولس حواری** است. کلمه «انجیل»، یونانی و به معنای **بشارت** است. محتوای انجیل، **زندگی نامه** و بیانات اخلاقی و پندهای حضرت عیسی علیه‌السلام است. جز انجیل چهارگانه، انجیل دیگری نیز میان مسیحیان رواج داشته‌اند؛ اما کلیسای مسیحی همه را جز چند انجیل یاد شده، بی اعتبار شمرد و از رواج انداخت.

[۱۵] خلاصه‌الادیان، ص ۱۶۸.

[۱۶] آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۱۵۵.

در عهد جدید خبری از **احکام شرعی** نیست و مسیحیان در این باره به همان که در عهد قدیم آمده است، پای بندند. از انجیلی که به دست کلیسا از اعتبار افتاد، **انجیل برنابا** (م. ۶۱) است. محتوای این انجیل با دیگر انجیل متفاوت است و عیسی علیه‌السلام را پسر خدا نمی‌داند و جنبه الوهی وی را نفی می‌کند و بر آن است که عیسی علیه‌السلام را به **صلیب** نیاویختند؛ بلکه مردی یهودی را دار زدند و مردم گمان بردند که او عیسی فرزند مریم است.

[۱۷] آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۱۵۵.

رسمیت دین مسیح

تا زمانی که مسیحیت فرقه‌ای یهودی به شمار می‌رفت، **دولت روم** توجهی به آن نداشت و مسیحیان در **عقیده** خویش آزاد بودند. با گسترش دین مسیح و آشکار شدن آن به صورت دینی جدید با سخنانی نو، دولت روم برآشفت و مسیحیت را غیر قانونی خواند و بر مسیحیان سخت گرفت. سرانجام، **قسطنطین کبیر** (Constantine the Great) (در سال ۳۱۳ م. به مسیحیت گروید و با فرمانی، آزادی این آیین را اعلام کرد و بدین سن، مسیحیت **کیش** رسمی دولت روم شد. در این هنگام، اختلافات کلامی میان بزرگان مسیحیت رخ نمود. **آریوس** (۳۳۶-۲۵۶ م.) حضرت مسیح را مخلوق دانست و مغضوب کلیسا گشت.

قسطنطین برای حل اختلافات، نمایندگان را از مسیحیان **جهان** گرد آورد و به سال ۳۲۵ م. شورای را سامان داد که آن را «**شورای نیقیه**» می‌خوانند. این شورا، **تثلیث** را به عنوان اعتقاد رسمی مسیحیت معتبر شمرد و انجیل چهارگانه را به رسمیت شناخت. از آن پس، شوراهای دیگری نیز بر پا شد که مصوبت آنها را «قانون شرع» می‌گویند.

[۱۸] خلاصه‌الادیان، ص ۱۷۴.

[۱۹] خلاصه‌الادیان، ص ۱۷۵.

[۲۰] فرهنگ شیعه، ج ۱، ص ۲۵۸.

[۲۱] دین یهودیت، ص ۲۶۰.

مبلغ مشهور مسیحیت

پولس حواری مبلغ مشهور مسیحیت در قرن نخست میلادی است. پولس نخست یهودی بود و با مسیحیت مبارزه می‌کرد؛ اما گویند در پی انقلابی روحی به کلی دگرگون گشت و به مسیح ایمان آورد و خویشان را وقف تبلیغ مسیحیت در **مغرب زمین** ساخت و سرانجام پس از مدت‌ها حبس در **زندان** به دستور **نرون** پادشاه **روم** به **قتل** رسید. پولس برای عیسی علیه‌السلام مقامی برتر از مسیح یهود قائل شد. او مسیح را نجلت دهنده‌ای می‌دانست که آمده است تا **ملکوت الهی** را بر **زمین** حکم سازد. آموزه **رجعت** را - که ریشه یهودی دارد - وی به مسیحیت راه داد و همچنین آموزه **گناه** و **رستگاری** را. یهودیان بر آن بودند که **حضرت آدم** علیه‌السلام گناه کرد و از **بهشت** رانده شد و اثر این گناه تا ابد دامان فرزندان او را گرفته است. پولس گفت: عیسی علیه‌السلام موجودی آسمانی است و طبیعت خدایی دارد؛ اما خود را تنزل داده و به صورت انسانی درآمده است و **رضا** داده است که او را به صلیب کشند و بدین سن گناه آدمی زانگان به **آمرزش** رسد.

[۲۲] خلاصه‌الادیان، ص ۱۶۲.

[۲۳] خلاصه‌الادیان، ص ۱۶۳.

شعائر هفتگانه مسیحیت

تعمید؛ تابید میثاق؛ تثبیت **ایمان**؛ **ازدواج** مسیحی؛ عشای ربانی؛ درجت مقدس روحانیت؛ **اعتراف**؛ **تدبیر**

[۲۴] آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۵۶-۱۵۱.

در باور مسیحیان، مسیح که از مردگان برخاست، میان مردمان مسیحی زیست می‌کند و همراه آنان است و به همان کارها مشغول است که در فلسطین می‌کرد: **تعلیم** و **دعا** و خدمت و شفای بیماران. کارهای غیر آشکار مسیح علیه‌السلام در زندگی کلیسایی از گذر آیین‌ها آشکار می‌گردد. چون فردی مسیحی در آیینی شرکت می‌جوید، ایمان دارد که با این عمل، به ملاقت مسیح علیه‌السلام می‌رود. تقریباً همه مسیحیان به **شعائر تعمید** و **عشای ربانی** اعتقاد دارند. مسیحیان **کاتولیک** و **ارتدکس**، پنج آیین دیگر نیز بر اینها افزوده‌اند و به هفت آیین پای بندند. فرقه‌های **پروتستان** در شمار شعائر اختلاف دارند و برخی کلیساهای پروتستان مانند کویکرها هیچ یک از آنها را نمی‌پذیرند.

انشعاب در مسیحیت

مسیحیت به سه **فرقه** بزرگ **کاتولیک**، **ارتدکس** و **پروتستان** انشعاب یافته است. مهمترین عامل انشعاب در دین مسیحیت **اختلافات سیاسی** روم و **بیزانس** است. عامل دوم سختگیری کلیسای کاتولیک، وجود مقررات دست و پا گیر و رنجبار و طلب کردن **پول** به هر بهانه‌ای است.

تشکیل کلیسای ارتدکس و جدایی آن از کلیسای کاتولیک روم، نخستین انشعاب مهم در مسیحیت بود. (۱۰۵۴ م.) ارتدکس‌ها به بارداری بی‌شائبه حضرت مریم علیه‌السلام و مصون بودن مقامت والای کلیسایی از خطا و اشتباه معتقد نیستند. کشیش‌های ارتدکس ازدواج را برای خود روا می‌دانند و عبادت شفاهی را به زبان رایج مردم انجام می‌دهند

[۱۵] آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۵۹.

[۱۶] خلاصه‌الادیان، ص ۱۸۰.

← پروتستان

از قرن ۱۶ م. به بعد، **انقلاب‌های دینی** متعددی برای اصلاح مذهب کاتولیک به راه افتاد. سختگیری کلیسای کاتولیک، وجود **مقررات** دست و پا گیر و طلب کردن پول به هر بهانه‌ای و زیر فشار نهادن مؤمنان مسیحی **قرون وسطی**، گروهی از روشنفکران کلیسای روم را به اعتراض واداشت. این حرکت اعتراض آمیز، **نهضت** پروتستان نام گرفت. **مارتین لوتر** (۱۴۸۳-۱۵۴۶ م.) از رهبران این نهضت بود. پس از وی **جان کالون** (۱۵۰۹-۱۵۶۴ م.) به اصلاح مذهب کاتولیک همت گمارد. این رهبران **اصلاح طلب** پیروانی یافتند و بدین سان، مذهب پروتستان پدید آمد. پروتستان نیز اندک اندک انشعاب‌هایی یافت؛ اما همه فرقه‌های **مذهب** پروتستان در مخالفت با **قدرت الهی پاپ** با یکدیگر اتفاق نظر دارند. پروتستان‌ها معتقدند که مؤمنین در ارتباط با **خدا** نیازمند **کشیش** نیستند، مقام کشیشی، همگانی است و کشیشان می‌توانند **ازدواج** کنند. همچنین، اعتراف به گناه را واجب نمی‌شمارند و به **پرزخ** و دوشیزگی حضرت مریم علیه‌السلام اعتقاد ندارند. پیروان این مذهب، بیش تر در **آلمان**، کشورهای اسکاندیناوی و **آمریکا** ساکن‌اند

[۱۷] آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۱۶۰.

دیدگاه قرآنی

بنابر **آیات** قرآنی، دین مسیح علیه‌السلام **تحریف** شده است. **قرآن کریم**، **آفرینش** مسیح علیه‌السلام را همانند آدم علیه‌السلام می‌داند

[۱۸] **آل عمران/سور ۳، آیه ۵۹.**

بنابر قرآن، او از مادری بکر زاده شده است. مادر عیسی علیه‌السلام از **زنان** برجسته عالم است که با **عالم غیب** ارتباط داشته است.

[۱۹] **آل عمران/سور ۳، آیه ۴۵.**

[۲۰] **نساء/سور ۴، آیه ۱۷۱.**

آیات قرآنی، از حضرت عیسی علیه‌السلام بسیار سخن گفته و او را ستوده‌اند.

[۲۱] **آل عمران/سور ۳، آیه ۴۴-۳۵.**

[۲۲] **مریم/سور ۱۹، آیه ۲۷-۱۶.**

[۲۳] **یقره/سور ۲، آیه ۸۷.**

[۲۴] **مائده/سور ۵، آیه ۱۱۰.**

قرآن کریم، عیسی علیه‌السلام را فرزند مریم سلام‌الله‌علیهم می‌شمارد و به صراحت، کسانی را که به تثلیث معتقدند و او را **پسر** خدا یا خدا می‌انگارند، کافر می‌خواند

[۲۵] **توبه/سور ۹، آیه ۳۰.**

[۲۶] **مائده/سور ۵، آیه ۱۷.**

[۲۷] **مائده/سور ۵، آیه ۷۳.**

و بیان می‌دارد که وی را نکشته و به دار نیاویخته‌اند؛ بلکه او به سوی خدا رفته است.

[۲۸] **نساء/سور ۴، آیه ۱۵۷.**

[۲۹] **مائده/سور ۵، آیه ۱۵۸.**

بندگی عیسی در قرآن

قرآن کریم خاطر نشان ساخته که **عیسی (ع)** عبدی بود **رسول**، و اینکه هیچ چیزی جز این ادعا نمی‌کرد و آنچه به وی نسبت می‌دادند خود او ادعایش را نکرده و با مردم جز به **رسالت** خدا سخنی نگفته، همچنانکه قرآن این معنا را در آیه زیر صراحتاً از آن جنب نقل کرده می‌فرماید: و اذ قال الله يا عيسى ابن مريم انت قلت للناس اتخذوني و امي الهين من دون الله؟ قال سبحانك ما يكون لي ان اقول ما ليس لي بحق، ان كنت قلته فقد علمته تعلم ما في نفسي و لا اعلم ما في نفسك، انك انت علام الغيوب، ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدا الله ربي و ربكم، و كنت عليهم شهيدا ما منتم فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم و انت على كل شيء شهيد، ان تعذبهم فانهم عبادك و ان تغفر لهم فانك انت العزيز الحكيم، قال الله هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم

[۳۰] **مائده/سور ۵، آیه ۱۱۶-۱۱۹.**

(زمانی که خدای تعالی می‌گوید ای **عیسی بن مریم** آیا تو، به مردم گفته‌ای که ای مردم به جای خدا مرا و مادرم را دو معبود برای خود بگیرید؟ عیسی جواب می‌دهد! منزهی تو ای خدا، مرا نمی‌رسد که بصرم چیزی را بگویم که حقم نبود و به فرض هم گفته باشم تو بدان آگاهی، چون تو می‌دانی آنچه در نفس من است و من نمی‌دانم آنچه در نزد تو است، زیرا تو علام الغیوبی، من به مردم نگفتم مگر همان دستورهایی که تو، به من دادی و آن این بود که ای مردم خدای تعالی پروردگار من و پروردگار خود را بپرستید، مادام‌همدر بین ایشان بودم شاهد رفتارشان بودم، ولی بعد از آنکه مرا گرفتی خونت مراقب وضع آنان بودی و تو بر هر چیزی شاهد و ناظری، حال اگر عذابشان کنی کسی حق اعتراض ندارد، چون بندگان خود را عذاب کرده‌ای و اگر بیماری‌ری‌باز هم اعتراضی نیست، چون تو هم عزیزی و شکست‌ناپذیری و هم کار به حکمت می‌کنی، خدای تعالی می‌فرماید امروز روزی است که راستی راستگوین به آنان سود می‌رساند.)

و این کلام عجیب که مشتمل بر عصاره ای از **عبودیت** و متضمن جامع ترین نکلت ادب و حیرت آورترین آن است، کشف می‌کند از اینکه نسبت به موقعیت خود در برابر **ربوبیت** پروردگارش و در برابر مردم و اعمال آنان چه دیدی داشته، می‌فرماید: عیسی (ع) خود را نسبت به پروردگارش تنها یک بنده می‌دانسته که جز امتثال کاری ندارد و جز به امر مولایش چیزی اراده نمی‌کند و جز به امر او عملی انجام نمی‌دهد و خدای تعالی هم جز این دستوری به وی نداده که مردم را به عبادت او به تنهایی دعوت کند، او نیز به مردم جز این را نگفت که ای مردم **الله** را که پروردگار من و پروردگار شما است بپرستید.

و از ناحیه مردم هم جز این مسؤلیتی نداشته که رفتار آنان را زیر نظر گرفته، در باره آن تحمل شهادت کند و پس، و اما اینکه خدا در روزی که مردم به سویش برمی‌گردندبا ایشان ودر ایشان چه حکمی می‌کند، هیچ ارتباطی با آن جنب ندارد، چه بیمارزد و چه عذاب کند.

شفاعت عیسی در قیامت

یکی از شفیعیان **روز جزاء عیسی** (ع) شفاعتش پذیرفته هم می شود زیرا از شاهدان بحق است و **آیه شریفه**: و لا یملک الذین یدعون من دونه الشفاعه الا من شهد بالحق و هم یعلمون **[۱۳۱] زخرف/سوره ۴۳، آیه ۸۶.**

شرکائی که مشرکین می پرستند و می خوانند مالک **شفاعت** نیستند، تنها کسانی مالک شفاعتند که شاهد به حق و دارای **علم** به **توحید** باشند. بر شفاعت شاهدان به حق که عالم هستند دلالت دارد، پس به حکم این آیه عیسی از شفیعیان روز جزا است، برای اینکه در آیه: و یوم القیمه یکون علیهم شهیدا.

[۱۳۲] نساء/۴، آیه ۱۵۹.

آن جناب را شاهخوانده و در آیه: و اذ علمتک الکتب و الحکمه و التورایه و الانجیل،

[۱۳۳] مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۰.

او را عالم به توحید دانسته (چون توحید هم یکی از معارفی است که **کتب** و **حکمت** و **تورات** و **انجیل** بر آن نازلند).

فرق تقدیه با شفاعت

اعتقاد خرافی به **تقدیه عیسی** (ع) (فدا شدن برای رهایی گناهکاران) با اعتقاد به اینکه آن حضرت از شفیعیان روز جزا است فرق دارد. عیسی (ع) از شفیعیان است لیکن شفاعت کردن آن جناب مسأله ای است و اعتقاد مسیحیان به مسأله فدیّه دادن مسأله ای دیگر، قرآن کریم تقدیه را برای عیسی ثابت نکرده و چنین قدرت و اختیاری به آن جناب نداده است و تقدیه ای که مسیحیان بدان معتقدند، این است که عیسی (ع) (با اینکه خدای پسر بود و دارای قدرت خدائی بود و می توانست دشمنان خود را در یک چشم بر هم زدن نابود کند)، لیکن برای اینکه کیفری را که گناهکاران در قیامت دارند باطل سازد، خود را فدای گناهکاران نمود و حاضر شد به این منظور به بالای دار برود!! قرآن این معنا را برای آن جناب نه تنها اثبات نکرده، بلکه آیه ای که از نظر خواننده گذشت آن را نفی نموده، عقل هم نمی تواند آن را بپذیرد، زیرا این معنا مستلزم آن است که قدرت و **سلطنت** مطلقه الهی با عمل عیسی باطل شود. و اما شفاعت، در آیه شریفه هیچ تعرضی به آن نشده و از این جهت ساکت است، نه اثبات کرده و نه نفی نموده، چون اگر آیه شریفه در مقام اثبات شفاعت بود (گو اینکه مقام آیه مقام اظهار ثلت است نه اختیاری) جا داشت بفرماید: و ان تغفر لهم فانک انت الغفور الرحیم، و اگر ایشان را ببامری بسیار بجا است، چون تو آمرزنده مهربان هستی. و اگر در صدد نفی شفاعت بود و می خواست بفرماید عیسی از شفیعیان روز جزا نیست دیگر جا نداشت مسأله شهادت بر اعمال مردم را به میان بیاورد، بنابراین این فرموده: و ان تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم

[۱۳۴] مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۸.

و اما آنچه مردم در باره عیسی (ع) گفته اند؟ هر چند مردم بعد از آن جناب به مذاهب مختلف و مسلک های گوناگونی - که چه بسا از هفتاد مذهب تجاوز کند - معتقد شده و متشنت گردیده اند، چه بسا که اگر کلیت و جزئیات مذاهب و آرای شان در نظر گرفته شود، از این مقدار هم تجاوز کند و لیکن قرآن کریم تنها به نقل سخنانی از مسیحیان اهتمام ورزیده که در باره عیسی و مادرش گفته اند، چون همین سخن است که با مسأله توحید برخورد دارد، مسأله ای که قرآن کریم - و اصولاً دین فطری و قویم - به آن دعوت می کند. و اما بعضی از جزئیات از قبیل مسأله **تحریف** و **تقدیه** را آنطور که باید مورد اهتمام قرار نداده است.

رد عقاید مسیحیان در قرآن

و آنچه قرآن کریم از مسیحیان در این باره حکایت کرده و یابه آنان نسبت داده، سخنانی است که آیه زیر بیانگر آنها است: ۱ - و قالت النصارى المسيح ابن الله، **[۱۳۵] توبه/سوره ۹، آیه ۳۰.**

که به حکم این آیه مسیحیان گفته اند مسیح پسر خدا است و آیه: و قالوا اتخذ، عبارت لخرای همان آیه است، ۲ - لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم، **[۱۳۶] مائده/سوره ۵، آیه ۷۲.**

به حکم این آیه مسیحیان رسماً مسیح را خود خدا دانسته اند، ۳ - لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة، **[۱۳۷] مائده/سوره ۵، آیه ۷۳.**

در این آیه که بعد از آیه (۷۲) قرار گرفته، خدا را سومین خدا از خدایان سه گانه دانسته اند، آیه: و لا تقولوا ثلاثة . **[۱۳۸] نساء/سوره ۴، آیه ۱۷۱.**

هم به همین معنا اشاره دارد. و این آیه هر چند به ظاهرش مشتمل بر سه مذهب و سه مضمون و سه معنای مختلف است و به همین جهت بعضی ها از قبیل شهرستانی صاحب کتب ملل و نحل آنها را حمل بر اختلاف مذاهب کرده و گفته است: مذهب مکانیه قائل به فرزندی حقیقی مسیح برای خدایند و نسطوریه گفته اند: نزول عیسی و فرزندیش برای خدا از قبیل تابش نور بر جسمی شفاف چون بلور است، و یعقوبیه گفته اند: از بلب انقلاب ماهیت است، خدای سبحان به گوشت و خون منقلب شده است.

[۱۳۹] ملل و نحل ج ۱ ص ۲۲۲.

[۱۴۰] ملل و نحل ج ۱ ص ۲۲۴.

[۱۴۱] ملل و نحل ج ۱ ص ۲۲۵.

و لیکن ظاهر قرآن کریم (العیاذ بالله) کتب ملل و نحل نیست تا بخواهد به این مذاهب بپردازد و هرگز به خصوصیات مذاهب مختلف آنان اهتمام نمی ورزد بلکه به اعتقاد غلطی می پردازد که مشترک بین همه آنان است و آن مسأله فرزندی مسیح برای خدای تعالی است و اینکه جنس مسیح از سنخ جنس خدا است و نیز به آثاری می پردازد که بر اسس این اعتقاد غلط مترتب کرده اند که یکی از آنها مسأله تثلیث است، هر چند که در **تفسیر** کلمه **تثلیث** اختلاف بسیار و مشاجره و نزاع دامنه دار کرده اند، دلیل بر این معنا این است که قرآن کریم به یک زبان و یک بیان علیه آنان احتجاج کرده، معلوم می شود مورد نظر قرآن از کل مسیحیت مسأله ای است که همه در آن شریکند.

مسأله پسر خدا در انجیل های موجود

توضیح این که تورات و انجیل های موجود در دست ما، از یک سو صراحت دارند بر این که خدای تعالی یکی است و از سوی دیگر انجیل به صراحت می گوید مسیح پسر خداست! و از دیگر سو تصریح می کند به این که این پسر همان پدر است و لا غیر.

حتی اگر مسأله پسری را حمل می کردند بر صرف احترام و برگشت گیری باز قابل اغماض بود، این کار را هم نکردند با اینکه در مواردی از انجیل به این معنا تصریح شده، از آن جمله می گوید: و من به شما می گویم دشمنان خود را دوست بدارید و برای **لعنت** کنندگان خود آرزوی **برکت** کنید و به هر کس که با شما دشمنی کرد احسان نمائید و هر کس که شما را از خود راند و ناراحت کرد شما با او پیوند کنید تا فرزندان پدر خود شوید، همان پدری که در آسمان ها است، چون او است که **خورشید** را هم بر نیکان می تاباند و هم بر بدان، و بارانش را هم بر صدیقیان می باراند و هم بر ظالمین، و اگر تنها کسی را دوست بدارید که او شما را دوست می دارد، دیگر چه لجر می خواهید داشته باشید؟ مگر عشاران غیر این می

کنند؟ و نیز اگر تنها به برادران خود سلام کنید باز چه فضیلتی برای شما خواهد بود؟ مگر [یت پرست](#) ان غیر از این می کنند؟ پس بیانییمانند پدر آسمانیتان کامل باشید که او کامل است. [\[۴۲\]](#) آخر اصحاب پنجم از انجیل متی.

و نیز در همین [انجیل](#) است که همه مراحل خود را در برابر مردم و به منظور خودنمایی بکار نیندید که در این صورت نزد پدرتان که در [آسمان](#) ها است اجری نخواهید داشت. [\[۴۳\]](#) انجیل لوقا، اصحاب ششم.

و نیز در همان کتب در باره نماز می گوید: شما نیز اینطور نماز بخوانید: ای پدر ماکه در آسمان هائی، نام تو مقدس است... و نیز آمده: پس اگر جفاکاری ها و خطاهای مردم را ببخشید پدر آسمانیتان هم خطاهای شما را می بخشد، (همه این سه فقره که نقل کردیم در اصحاب ششم از انجیل متی است).

و نیز می گوید: شما نیز مانند پدر رحیمتان رحیم باشید. و به مریم مجلیه می گوید: برو نزد برادرانم و به ایشان بگو من به سوی پدرم که پدر شما نیز هست و به سوی الهم که اله شما نیز هست [صعود](#) خواهم کرد. [\[۴۴\]](#) انجیل یوحنا، اصحاب بیستم.

پانویس

۱. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۵۱.](#)
۲. [↑ ادیان زنده جهان، ص ۳۲۸.](#)
۳. [↑ آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۱۲.](#)
۴. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۶۰.](#)
۵. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۶۸.](#)
۶. [↑ آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۱۵۵.](#)
۷. [↑ آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۱۵۵.](#)
۸. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۷۴.](#)
۹. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۷۵.](#)
۱۰. [↑ فرهنگ شیعه، ج ۱، ص ۲۵۸.](#)
۱۱. [↑ دین یهودیت، ص ۲۶۰.](#)
۱۲. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۶۲.](#)
۱۳. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۶۳.](#)
۱۴. [↑ آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۵۶ - ۱۵۱.](#)
۱۵. [↑ آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۵۹.](#)
۱۶. [↑ خلاصه الادیان، ص ۱۸۰.](#)
۱۷. [↑ آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۱۶۰.](#)
۱۸. [↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۵۹.](#)
۱۹. [↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۴۵.](#)
۲۰. [↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱۷۱.](#)
۲۱. [↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۴۴ - ۳۵.](#)
۲۲. [↑ مریم/سوره ۱۹، آیه ۲۷ - ۱۶.](#)
۲۳. [↑ بقره/سوره ۲، آیه ۸۷.](#)
۲۴. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۰.](#)
۲۵. [↑ توبه/سوره ۹، آیه ۳۰.](#)
۲۶. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۷.](#)
۲۷. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۷۳.](#)
۲۸. [↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱۵۷.](#)
۲۹. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۵۸.](#)
۳۰. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۶ - ۱۱۹.](#)
۳۱. [↑ زخرف/سوره ۴۳، آیه ۸۶.](#)
۳۲. [↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱۵۹.](#)
۳۳. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۰.](#)
۳۴. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۸.](#)
۳۵. [↑ توبه/سوره ۹، آیه ۳۰.](#)
۳۶. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۷۲.](#)
۳۷. [↑ مائده/سوره ۵، آیه ۷۳.](#)
۳۸. [↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱۷۱.](#)
۳۹. [↑ ملل و نحل ج ۱ ص ۲۲۲.](#)
۴۰. [↑ ملل و نحل ج ۱ ص ۲۲۴.](#)
۴۱. [↑ ملل و نحل ج ۱ ص ۲۲۵.](#)
۴۲. [↑ آخر اصحاب پنجم از انجیل متی.](#)
۴۳. [↑ انجیل لوقا، اصحاب ششم.](#)

منبع

[فرهنگ شیعه، برگرفته از مقاله «دین مسیحیت» ج ۱، ص ۲۵۶. اندیشه قم.](#)

رده‌های این صفحه: [دین الهی](#)